

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۱۶
تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۷

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Examining the Symbolic meaning of Colors in Ancient
Egyptian Painting art and their origin in Environment
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ این مفاهیم در طبیعت پیرامون

مه‌دا فروغی*
شهره جوادی**

چکیده

● بیان مسئله

انسان در طول تاریخ، به طرق مختلف از جمله هنر نقاشی به بیان احساسات و ذهنیات خود پرداخته است. در طول تاریخ، نقاشی اهداف مختلفی از امری مقدس در انحصار گروهی خاص تا وسیله گذراندن اوقات فراغت برای عموم انسان‌ها داشته است. همچنین نقاشی، حامل مفاهیم واقعی و سمبلیک بوده است. در برخی موارد واقعیت پیرامون آنچنان که بوده تصویر می‌شده و در سایر موارد تصاویری غیر واقعی با مفاهیمی سمبلیک تصویر می‌شده است. یکی از مهم‌ترین عناصر نقاشی، رنگ است که به شیوه‌های مختلف و در مفاهیم گوناگون به کار گرفته شده است. مصر باستان، یکی از بزرگ‌ترین و اولین تمدن‌های انسان است که آثار باستان‌شناسی و نقاشی‌های فراوانی از آن به جای مانده است. برخلاف مطالعات گذشته که صرفاً بر مبنای علم زبان‌شناسی به بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان پرداخته‌اند، در این مقاله با استفاده از تحلیل نقاشی‌های مصر باستان، مباحث زبان‌شناسی و مفاهیم سمبلیک عناصر طبیعت به بررسی موضوع پرداخته شده است.

● هدف

هدف این تحقیق بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان و منشأ این مفاهیم است.

● روش تحقیق

باتوجه به حضور خدایان در نقاشی‌های همه ادوار تاریخی مصر باستان و همچنین ثبات مفاهیم آنها در طول تاریخ، به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در تصویر خدایان مصر باستان پرداخته‌ایم. در ادامه به کمک چهار مورد، مفاهیم رنگ‌های اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها، معنی لغوی هر یک از رنگ‌ها و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ که حامل مفاهیم مشابهی هستند را تحلیل کرده‌ایم.

● نتیجه‌گیری

به کمک یافته‌های تحقیق مفاهیم سمبلیک هر یک از رنگ‌های اصلی در هنر مصر باستان مشخص شده و ارتباط آنها با طبیعت پیرامون موشکافی شد.

کلمات کلیدی

رنگ، هنر مصر باستان، نقاشی سمبلیک.

* کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران mahda.foroughi@ut.ac.ir
** دکتری تاریخ هنر، استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، پژوهشکده نظر، تهران، ایران. javadi1336@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

رنگ اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصری که در اغلب نقاشی‌ها با رنگ‌های اصلی تصویر شده‌اند، معانی لغات هر یک از رنگ‌ها در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ که حامل مفاهیم مشابهی هستند را تحلیل کرده‌ایم.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

علیرغم ادعاهای مطرح شده در مطالعات گذشته در خصوص مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در نقاشی‌های مصر باستان، تعداد محدودی از آنها به بررسی تفصیلی، دسته‌بندی و اثبات این موضوع پرداخته‌اند. در برخی منابع که به بررسی مفاهیم خدایان پرداخته‌اند به طور گذرا مفاهیمی سمبلیک به هر یک از رنگ‌ها نسبت داده شده ولی دلیلی برای آن آورده نشده است. یکی از جامع‌ترین منابع که بدین شکل به موضوع اشاره داشته است، کتاب «همه خدایان و خدایانوان مصر باستان» اثر Wilkinson (۲۰۰۳) است که از ادعاهای وی در بخش مطالعات مربوط به خدایان استفاده شده است. سایر منابع تلاش کرده‌اند صرفاً به کمک مباحث زبان‌شناسی، ارتباط میان رنگ‌ها، مفاهیم سمبلیک و معنای لغات آنها را بیابند. Sapir (۱۹۲۱) با مطرح کردن بحثی مبنی بر وجود ارتباط دوسویه بین زبان و فرهنگ آغازگر روند این تحقیقات بوده است. این مبحث توسط بسیاری از نظریه پردازان توسعه می‌یابد. در سال ۱۹۶۳، Schenkel بیان می‌کند که رنگ‌های سفید، سیاه، سبز و قرمز، چهار رنگ سمبلیک در نقاشی‌های مصر باستان هستند که در زبان آنها نیز تنها برای این چهار رنگ، لغت وجود داشته است. از نگاه وی همه رنگ‌ها در یکی از این چهار دسته می‌گنجد برای نمونه رنگ آبی همان رنگ سبز است. در سال ۱۹۶۹، Berlin & Kay نظریه رنگ‌های پایه^۱ را مطرح کردند. طبق این نظریه، شناخت رنگ‌ها امری فرهنگی نبوده بلکه مورفولوژیک و جهانی است. از نگاه آنها تعداد رنگ‌های شناخته شده در جوامع تاریخی محدود بوده و قوانین ثابتی برای شناخت رنگ‌ها در جهان وجود دارد. برخی از محققان زبان‌شناسی از جمله Hermann (۱۹۶۹) و Brunner-Traut (۱۹۷۷) معتقدند معنای سمبلیکی برای رنگ‌ها در نقاشی‌های مصر باستان وجود ندارد و همچنین مخالف نظریه‌های چهار رنگ اصلی اسکنل و رنگ‌های پایه برلین و کی هستند. به روزترین تحقیق در این زمینه مقاله جدید Schenkel (۲۰۰۷) است که ادعای پیشین خود مبنی

مصر باستان، یکی از اولین تمدن‌های بزرگ انسان است که آثار باستان‌شناسی و نقاشی‌های فراوانی از آن به جای مانده است. در مصر باستان، رنگ بخش جدایی‌ناپذیر زندگی، به خصوص در نقاشی‌ها بوده است. در نقاشی‌های مصر باستان، رنگ هر چیز، سرنخ و نشانه وجود حقیقی آن بوده است. برای نمونه وقتی خدای "ر" با پوستی آبی رنگ کشیده می‌شود، نشانه جنبه کیهانی اوست. پوست سبز خدای اسیریس، نشانه قدرت او بر زندگی دوباره و رستاخیز است (Wilkinson, 2003). رنگ در نقاشی مصر باستان در بسیاری موارد مفاهیم سمبلیک دارد. به خصوص وقتی افراد مقدس، اسطوره‌ها و افسانه‌ها نمایش داده می‌شوند. این مفاهیم سمبلیک از زندگی مردم مصر باستان نشأت گرفته است. در مصر باستان، عناصر طبیعت از جمله رود نیل، طغیان‌های سالیانه آن و آبرفت باقیمانده از آن بر زمین‌های اطراف، زمین‌های حاصلخیز اطراف، خورشید، آسمان و گیاهان، نقش مهمی در زندگی مردم داشته‌اند. مردم به دلایل ترس و احترام نسبت به این عناصر طبیعت، اسطوره‌ها و خدایانی را به آنها نسبت داده‌اند. رنگ و شکل هر خدا متناسب با عناصر طبیعی است که به آن نسبت داده شده و همچنین به نقش آن خدا در زندگی مردم بستگی دارد. به عنوان نمونه، رودخانه نیل از عوامل طبیعی حیات بخش برای مردم مصر بوده است به همین دلیل آنها خدای طغیان‌های سالیانه رود نیل (هپی) را می‌آفرینند و با پوست آبی رنگ، به رنگ رودخانه نیل، به تصویر می‌کشند. هنرمند مصری در آثارش از ۶ رنگ شامل سبز، قرمز، زرد، آبی، سفید و سیاه استفاده کرده است (Schenkel, 2007). رنگ‌ها اغلب از ترکیبات معدنی بوده‌اند و برای همین طراوات و تازگی خود را همچنان حفظ کرده‌اند. همچنین در زبان مصر باستان، چهار رنگ پایه وجود دارد که هر یک معنای منحصر به فردی دارند. برای مثال سبز بودن، به معنی جان تازه گرفتن است. سؤالات تحقیق به شرح زیر است:

- مفهوم سمبلیک رنگ‌های اصلی استفاده شده در هنر نقاشی مصر باستان، چیست؟

- چه ارتباطی میان مفهوم سمبلیک رنگ‌های اصلی استفاده شده در هنر نقاشی مصر باستان و طبیعت پیرامون آن وجود دارد؟

این تحقیق به روش کیفی انجام شده است. باتوجه به اینکه تصویر خدایان در مصر باستان در اغلب نقاشی‌ها و دوران‌ها حضور داشته و همچنین هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند، در این تحقیق برای بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان، به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در تصویر خدایان مصر باستان پرداخته‌ایم. در ادامه با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش

کنترل آنها نداشته‌اند. آنها با تجسم نیروهای طبیعی به صورت خدایان متعدد جهان پیرامونشان را به شکل قابل فهم‌تری برای خود تفسیر کرده بودند. برای نمونه آمدن سیل‌های سالیانه را آمدن خدای هپی تصور می‌کرده‌اند و چنین می‌پنداشته‌اند که او با کوزه‌ای از بالا به داخل رود نیل آب می‌ریزد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۶۶). آنها با پرستش این خدایان و گرفتن جشن‌های مذهبی برای آنها، به طریقی با این نیروهای طبیعت ارتباط برقرار کرده و احساس امنیت بیشتری می‌کرده‌اند. در نقاشی‌های مصر باستان، خدایان، سمبلیک‌ترین موجودات هستند. نقاشان مصر باستان به کمک ترکیبی از اشکال و رنگ‌های نمادین خدایان را به تصویر کشیده‌اند. بنابراین در هر تصویری مفاهیم سمبلیک زیادی نهفته است. با توجه به تعدد خدایان مصر، نحوه انتخاب خدایان در این تحقیق بسته به اهمیت آنها و نقش آنها در زندگی مردم صورت گرفته است. بدین ترتیب، شش خدای مهم مصر باستان که هر یک نقش متفاوتی در زندگی مردم داشته‌اند را انتخاب کرده و معانی، شمایل و رنگ آنها را بررسی کرده‌ایم.

رَ (Ra)

لغت رَ، به معنی خورشید در زبان کهن مصر است (Wilkinson, 2003). رَ آفریننده خودش و بقیه جهان است و سایر خدایان مصر باستان از نسل او هستند. معمول‌ترین تصویر رَ، مردی با سر شاهین است که دایره‌ای قرمز (سمبل خورشید) روی سرش قرار دارد (Assmann, 2001; Hornung, 1982). در اکثر تصاویر، دور دایره قرمز مار کبری پیچیده شده که (Wilkinson (2003) و Wilson (1946) آن را سمبل قدرت می‌دانند. رنگ پوست رَ معمولاً به یکی از دو رنگ زیر است: رنگ قرمز: نشانه رنگ خورشید و سمبل قدرت و پیروزی، رنگ آبی: نشانه آسمان و جایگاه رَ و سمبل ملکوتی و ماورائی بودن.

مصریان باستان معتقد بودند که رَ در آسمان زندگی می‌کند و در طی روز در کشتی‌اش به دور آسمان سفر می‌کند (Wilkinson, 2003).

• آنوبیس (Anubis)

در هزاره سوم پیش از میلاد، آنوبیس مهم‌ترین خدای مرگ بوده است و به عنوان خدای مومیایی‌ها و موبدان مومیایی کننده ستایش می‌شده است (Holland, 2009; Assmann, 2001). او، مسئول قضاوت مردگان در دنیای دیگر و حفظ تمامیت مردگان در طول انتقال به جهان دیگر است. آنوبیس در اغلب نقاشی‌ها دارای شمایلی با بدن انسان و سر ترکیبی از سگ و گرگ است و همچنین پوستی سیاه رنگ دارد. این انتخاب، خود نمایشگر اعتقاد و توجه نقاشان مصر باستان به ارتباط روان

بر تشخیص تنها چهار رنگ در مصر باستان را توسعه داده و اظهار می‌کند که اگرچه در زبان مصر باستان تنها چهار رنگ دارای لغت منحصر به فرد هستند ولی رنگ‌های زرد و آبی نیز در نقاشی‌ها تشخیص داده می‌شده‌اند. از دلایلی که اسکنل برای این ادعایش مطرح می‌کند این است که لغت‌هایی مثل لاجورد و طلا علاوه بر مفهوم خود شی، به ترتیب بر مفاهیم رنگ‌های آبی و زرد نیز دلالت دارد و در زبان مصر باستان برای بیان رنگ آبی از جملاتی نظیر «رنگی مانند لاجورد» استفاده شده است. همچنین در این مقاله اسکنل بیان می‌کند که استفاده از رویکرد زبان‌شناسی در بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها دارای مانع بزرگی است که مانع دستیابی به نتیجه قطعی در این زمینه است. از دیدگاه وی مهم‌ترین عامل در موفقیت مقالات با کمک مباحث زبان‌شناسی، منابع جامع و کامل است که در تحقیقات مورد نظر به دلیل نبود افرادی با زبان اصلی مصر باستان، این تحقیقات به جمع‌بندی مشترک و قطعی نرسیده‌اند. باتوجه به اینکه تحقیقات انجام شده به کمک روش‌های زبان‌شناسی با وجود سابقه نسبتاً زیاد به نتیجه مشخصی ختم نشده است، در این مقاله علاوه بر مطالعات زبان‌شناسان از تحلیل نقاشی‌ها و معانی و مفاهیم آنها نیز استفاده شده است. بدین منظور تصویر خدایان را برای بررسی انتخاب کرده‌ایم چرا که این تصاویر در اغلب نقاشی‌ها و دوره‌های تاریخی مصر باستان حضور داشته و همچنین هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند. سپس با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش رنگ اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌ها، معنی لغوی هر یک از رنگ‌ها در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ را تحلیل کرده‌ایم که حامل مفاهیم مشابهی هستند. لذا در ادامه مفاهیم بیان شده درباره تصاویر خدایان به همراه رنگ آنها بررسی شده است.

رنگ و شمایل خدایان مصر باستان

مردم مصر باستان به عینیت بخشیدن به تمام پدیده‌ها به ویژه نیروهای منظم طبیعی مؤثر در زندگیشان تمایل داشته‌اند چراکه از یکسو دلیل نظم طبیعت و نیروهای آن برای مردم پنهان بوده و از سوی دیگر، زندگی آنها به این نیروها وابسته بوده است و همچنین مردم قدرتی در

مرگ و همچنین حاصلخیزی زمین را تصدیق می‌کنند.

• هپی (Hapy)

هپی، خدای سیل‌های سالیانه رود نیل است. مردم مصر باستان، آمدن این سیل‌های سالیانه را آمدن هپی^۵ می‌دانند. در نقاشی‌ها اغلب او را به شکل مردی با شکم بزرگ و سینه زنان که به ترتیب سمبل فراوانی و توان تغذیه است می‌بینیم. او اغلب در حال آبیاری گیاهان است یا سینی‌هایی پر از غذاهای گران‌قیمت در دست دارد. این نمادها نشانگر اهمیت نقش وی در کنترل رود نیل و پرآبی آن است. پوست او اغلب آبی رنگ بوده و در برخی نقاشی‌ها دارای خطوطی به شکل موج رود است (Wilkinson, 2003).

باتوجه به مطالب بیان شده مشخص شد که مصریان باستان خدایان خود را با الهام از طبیعت پیرامونشان تجسم کرده‌اند و رنگ‌های نسبت داده شده به آنها از طبیعت و مفهومی که طبیعت در قالب خدایان برای آنها داشته، نشأت گرفته است. مطالب بیان شده در این بخش را در جدول ۱ به طور خلاصه آورده‌ایم.

روش تحقیق

باتوجه به اینکه تصویر خدایان در مصر باستان در اغلب نقاشی‌ها و دوران‌ها حضور داشته و همچنین هریک از آنها، مفاهیم و معانی مشخص و ثابتی داشته‌اند، در این تحقیق برای بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در هنر نقاشی مصر باستان، به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در تصویر خدایان مصر باستان پرداخته‌ایم. در ادامه با توجه به مطالب بیان شده در مرور ادبیات، شش رنگ اصلی در نقاشی‌های مصر باستان تشخیص داده شد و به کمک چهار مورد، مفاهیم این رنگ‌ها تحلیل شد. این موارد شامل داده‌های به دست آمده از تحلیل تصاویر خدایان، مهم‌ترین عناصری که در اغلب نقاشی‌ها با رنگ‌های اصلی تصویر شده‌اند، معانی لغات هر یک از رنگ‌ها

جدول ۱. خدایان برجسته و مهم در مصر باستان، رنگ آنها و مفاهیمی که بر آنها دلالت دارند. مأخذ: نگارندگان.

خدا	نقش خدا در طبیعت	معنی لغت	رنگ پوست	مفاهیم منتسب به هر خدا	شمایل و نمادها
رع	خورشید		قرمز	خدای خدایان: قدرت	قرص خورشید بر سرش و مار کبری به دور آن
آنوبیس	مرگ		آبی سیاه سبز	زندگی در آسمان: ماورایی بودن خدای مومیاییها و مومیایی کنندگان مسئول زندگی مجدد و رستاخیز انسانها	سر شاهین سر شغال
سخمت	جنگ	قدرتمندترین	قرمز	خدای وحشی جنگ و خشونت	قرص خورشید بر سرش و مار کبری به دور آن، سرشیر
اسیریس	مرگ		سیاه سفید سبز	فرمانروای جهان پس از مرگ خدای مردگان که دارای کفن سفید هستند مسئول حاصلخیزی زمین و زندگی مجدد	عصای سرکچ تن پوش سفید خرمن کوب
هپی	سیل‌های سالیانه رود نیل		آبی	مسئول سیل‌های سالیانه رود نیل	شکم بزرگ و سینه زنانه

و تن موجودات است (Redford, 2002); (Holland, 2009).

• سخمت (Sekhmet)

لغت سخمت در زبان مصر باستان به معنی قدرتمندترین^۶ است (Holland, 2009). او خدای وحشی جنگ و خشونت بوده است. از دهانش آتش می‌دمیده و از آن به عنوان صلاحی در مقابل دشمنانش استفاده می‌کرده است. مصریان باستان علت بادهای گرم و خشک کویری مصر را نفس سخمت می‌دانستند (Wilkinson, 2003). در نقاشی‌های مصر باستان او را با بدن انسان و سر شیر کشیده‌اند، درحالی‌که دایره‌ای قرمز که نماد خورشید است بر بالای سرش قرار دارد و رنگ پیراهن او به رنگ قرمز است. بارزترین ویژگی‌های سخمت قدرت و خشونت است که استفاده از سر شیر (قدرتمندترین حیوان جنگل) برای این خدا نیز تصدیق این ادعاست.

• اسیریس (Osiris)

اسیریس، فرمانروای جهان زیر زمین^۴ و خدای مرگ و ابدیت مصریان است (Assmann, 2001). هر آنچه مربوط به زیر زمین است از جمله حاصلخیزی زمین، در اختیار اسیریس است. بدین ترتیب میزان و کیفیت محصول دهی زمین به خیرخواهی و میل او وابسته است (Redford, 2002; Holland, 2009). او در اکثر کتیبه‌ها با شمایل انسانی کشیده شده و بدنش در پارچه سفید (کفن) مومیایی پیچیده شده است. پوست اسیریس به یکی از سه رنگ زیر نقاشی شده است:

- سفید: نشانگر کفن مردگان که ساکنان جهان تحت حاکمیت اسیریس است.
- سیاه: نشانگر حاکمیت او بر دنیای پی از مرگ است.
- سبز: رنگ گیاهان و محصولات کشاورزی است و نشانه قدرت اسیریس در حاصلخیزی زمین و پر ثمر بودن کشاورزی است همچنین می‌تواند به معنای زندگی مجدد باشد.
اسیریس اغلب عصای سر کچ (سمبل حاکمیت) و خرمن کوب (سمبل زراعت) در دست دارد (Wilkinson, 2003). این نمادها نیز اهمیت نقش اسیریس در حاکمیت جهان پس از

حاصلخیزی زمین وابسته بوده‌اند. این عناصر طبیعت، منبع حیات مردم مصر باستان بوده و مؤثرترین عناصر سبزرنگ طبیعی بر زندگی مردم بوده‌اند. بدین ترتیب، رونق کشاورزی و پربار شدن درختان، مفهوم زندگی مجدد و همچنین موفقیت و پرباری را برای آنها القا می‌کرده است. بنابراین معنای سمبلیک رنگ سبز زندگی مجدد و پرباری و موفقیت است.

• رنگ قرمز (desher)

در زبان عامیانه مصر باستان، انجام کار قرمز به معنی خشمگین بودن و پیروزی است (Schenkel, 2007). چنان‌که در بخش پیش نیز گفته شد از میان خدایان مهم مصر باستان سخمت با رنگ قرمز تصویر شده که مفاهیم پیروزی، جنگ و خشونت را به او نسبت می‌دهند. همچنین بر بالای سر و سخمت قرص خورشید به رنگ قرمز نمایش داده شده است. در نقاشی‌ها، چشم خدای خورشید^۸ به این رنگ نمایش داده می‌شود و به طور کلی چشم خدایان را در مواقع عصبانیت و درخشش، قرمز می‌کشید (Schenkel, 2007) مصریان باستان معتقد بودند که چشم راز سنگ عقیق قرمز ساخته شده است. همچنین در طول جشن‌ها، مصریان باستان بدن خود را با قرمز اخراپی می‌پوشاندند. بدین ترتیب، رنگ قرمز، نماد خشونت، قدرت و پیروزی بوده است. در متون مصر باستان بیابان و طلا بر رنگ قرمز دلالت دارند و در این متون بارها جملاتی نظیر رنگ قرمز مانند طلا (یا بیابان) آمده است (Schenkel, 2007). به طور کلی از میان عناصر طبیعی تاثیرگذار بر زندگی مردم مصر، خورشید، بیابان و طلا به رنگ قرمز هستند. هر سه عنصر، جاودان و برتر هستند و همچنین گرمای خورشید و خشکی بیابان احساس خشونت را القا می‌کرده است.

• رنگ سفید (hedj)

در زبان مصر باستان، انجام کار سفید به معنی روشن کردن^۹ و زندگی مجدد^{۱۰} است (Schenkel, 2007). اسیریس، خدای زندگی پس از مرگ اغلب با این رنگ به تصویر کشیده می‌شد. از دیگر کاربردهای سمبلیک این رنگ که در نقاشی‌های مصر باستان به وفور دیده می‌شود، می‌توان موارد زیر را نام برد:

- استفاده از صندل سفید در مراسم مقدس
- رنگ سفید عناصر و اشیاء آیینی مانند کاسه‌های تشریفاتی و حتی میزوموییایی در ممفیس.
- کفن مومیایی‌ها و همچنین تن‌پوش مردگان اغلب به رنگ سفید تصویر شده‌اند.
- رنگ "Nefer"، تاج مصر علیا، سفید بوده اگرچه احتمالاً از نی سبز ساخته می‌شده است.
- بدین ترتیب رنگ سفید، در مفاهیم زندگی مجدد پس از مرگ و تقدس به کار رفته است. مهم‌ترین عنصر سفید رنگ

در زبان مصر باستان و همچنین نمود این رنگ‌ها در محیط پیرامون مصر باستان می‌شود. در نهایت جهت تصدیق نتایج به دست آمده، باتوجه به اهمیت مفهوم مرگ از نگاه مردم مصر باستان، نقاشی‌های مراسم مومیایی کردن، عزاداری و داوری پس از مرگ که حامل مفاهیم مشابهی هستند را تحلیل کرده‌ایم.

یافته‌های تحقیق

در این بخش با توجه به داده‌های به دست آمده از قسمت قبل و با استفاده از معنای لغوی هر رنگ، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌های به جای مانده از مصر باستان و عناصر مهم طبیعت در زندگی مردم مصر باستان و رنگ آنها به تحلیل مفهوم سمبلیک رنگ‌ها و نمودهای آنها در طبیعت پرداخته ایم.

رنگ و مفاهیم سمبلیک آن در هنر مصر باستان

در هنر مصر باستان، رنگ هر چیز، سرخ و نشانه وجود حقیقی آن بوده است. به جز برخی از استفاده‌های کاربردی، استفاده از رنگ در هنر نقاشی مصر باستان، جنبه سمبلیک دارد. باتوجه به تحقیقات Schenkel (۲۰۰۷) و Baines (۱۹۸۵) مشخص شد که هنرمندان مصری در آثارشان از ۶ رنگ شامل سبز، قرمز، زرد، آبی، سفید و سیاه استفاده کرده‌اند که از این میان به جز رنگ‌های آبی و زرد بقیه در زبان مصر باستان دارای لغت هستند. معنای سمبلیک هر رنگ در هنر مصر باستان و منشأ آن را در پاراگراف‌های زیر بیان می‌کنیم و به ترتیب موارد زیر در هر رنگ بیان و تحلیل شده است: معنای لغت رنگ مورد نظر، مهم‌ترین خدایان با آن رنگ، مهم‌ترین عناصر ثابت با رنگ‌های اصلی در نقاشی‌های مصر باستان و مؤثرترین عناصر طبیعت در زندگی مردم مصر باستان با رنگ مورد بحث:

• رنگ سبز (wadj)

در زبان عامیانه مصر باستان، انجام کار سبز به معنی رونق گرفتن^{۱۱} و تازه بودن^{۱۲} است (Schenkel, 2007). مصریان باستان خدایان متعددی برای وفور محصولات کشاورزی داشتند که مهم‌ترین آنها تانتن و سبک هستند و هر دو پوستی سبز رنگ دارند که نماد رونق کشاورزی و محصولات آن است. اسیریس و آنوبیس نیز در بعضی نقاشی‌ها، با پوستی سبز رنگ کشیده شده‌اند که نمادی از نقش آنها در حاصلخیزی زمین و همچنین زندگی مجدد و رستاخیز است. در اغلب نقاشی‌های مصر باستان، علاوه بر خدایان با پوست سبز، گیاهان و محصولات کشاورزی با این رنگ نمایش داده شده‌اند. اصلی‌ترین منبع درآمد مردم مصر باستان از طریق کشاورزی و دامداری تأمین می‌شده که هر دو به گیاهان و

هر دو به رنگ زرد بوده و دارای مشخصات فنا‌ناپذیری و جاودانگی هستند.

• رنگ آبی

در تمایز رنگ آبی از رنگ سبز از نگاه مردم مصر باستان مانند رنگ زرد تردید وجود دارد ولی با توجه به وجود عناصری ثابت با این رنگ در نقاشی‌های مصر باستان و دیدگاه (Schenkel, 2007) و Baines (۱۹۸۵)، در این مقاله به بررسی این رنگ پرداخته‌ایم. از میان مهم‌ترین خدایان مصر باستان، هپی، خدای سیل‌های سالیانه به رنگ آبی تصویر شده است. در برخی از این نقاشی‌ها، خطوطی به شکل امواج آب نیز بر پوست او دیده می‌شود. چهره ز نیز اغلب با سر شاهین و به رنگ آبی است که سمبل نقش او در خلقت جهان و جایگاه آسمانی و ماورائی او بوده است. مصریان باستان معتقد بودند که موی خدایان از سنگ لاجورد، سنگ آبی رنگ، است به همین علت آنها را با موهای آبی رنگ می‌کشیدند. بنابراین رنگ آبی مفاهیم رود نیل و ماورائی بودن را در خود داشته است. مؤثرترین عناصر طبیعی آبی رنگ بر زندگی مردم مصر باستان، آسمان و رود نیل است. آسمان جایگاه ز و فضایی ماورائی و ملکوتی است. رود نیل سرمنشأ حیات و زندگی مردم مصر باستان و عامل رونق کشاورزی آنها بوده است. بنابراین رنگ آبی نشانه رود نیل و پرآب بودن آن و همچنین ماورائی و ملکوتی بودن است.

بحث

نقاشی‌های مصر باستان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :
 ۱. نقاشی‌هایی که زندگی روزمره مردم، دامداری، کشاورزی و برداشت محصول را به تصویر می‌کشند.
 ۲. نقاشی‌هایی که خدایان و افسانه‌های مربوط به آنها را به تصویر می‌کشند.

گروه اول هنر نقاشی مصر باستان، دارای عناصر واقعی هستند و معمولاً اثری از هنر سمبلیک در آنها دیده نمی‌شود. چنان‌که در تصویر ۸ می‌بینید، همه عناصر تصویر از جمله تناسبات، رنگ‌ها و انسان‌ها واقعی هستند.

ولی گروه دوم آثار آنها، دارای عناصر غیر واقعی زیادی هستند. چنان‌که در تصویر ۹ مشخص است، موجوداتی ترکیبی از انسان و حیوان با رنگ‌هایی غیر واقعی دیده می‌شود. عناصر این گروه دارای مفاهیم سمبلیک هستند.

طبق بخش‌های قبلی تحقیق مؤثرترین عناصر طبیعت بر زندگی مصریان باستان مشخص شد. همچنین دریافتیم که مصریان باستان با توجه به احترام و ترس از این عناصر طبیعت، خدایانی را به آنها نسبت داده‌اند که این عناصر طبیعت را کنترل می‌کنند. در جدول ۲، نمود هر رنگ در طبیعت، موارد کاربرد، معنی لغوی، سنگ نماد هر رنگ و

نزد مصریان باستان روز و روشنایی است. مصریان باستان معتقد بودند که ز هر روز در کشتی‌اش به دور آسمان سفر می‌کند و شب می‌میرد و به جهان زیر زمین می‌رود تا دوباره کامل شده و در روز بعد مجدد زاده شود. بدین ترتیب روز برای آنها مفهوم زندگی مجدد را دربرداشته است.

• رنگ سیاه (kem)

کار سیاه انجام دادن در زبان مصر باستان، به معنی زندگی مجدد است (Schenkel, 2007). از میان خدایان، اسیریس، پادشاه زندگی پس از مرگ، "سیاه" نامیده می‌شد. ملکه Ahmose-Nefertari که حامی گورستان بود نیز معمولاً با پوست سیاه به تصویر کشیده می‌شد. آنوبیس، خدای مومیایی به عنوان یک شغال یا سگ سیاه نشان داده می‌شد، اگرچه شغال و سگ معمولاً قهوه‌ای هستند. در مصر باستان، مفاهیم مرگ و زندگی مجدد از هم مجزا نبوده و این دو مفهوم در طول یکدیگر قرار دارند و رنگ سیاه در هر دو مفهوم به کار رفته است. برجسته‌ترین عنصر سیاه رنگ طبیعی از نگاه مردم مصر باستان، شب و آبرفت‌های سالیانه رود نیل است. چنانچه گفته شد، شب برای آنها به مفهوم مرگ ز برای زندگی مجدد وی در طلوع روز بعد است. در مصر باستان، آبرفت‌های به جای مانده از سیل‌های سالیانه، زمین را دوباره حاصلخیز می‌کرده و موجب رونق مجدد کشاورزی می‌شده است. به همین علت مفهوم زندگی مجدد را در خود داشته است.

• رنگ زرد

با توجه به آنچه در پیشینه تحقیق گفته شد در اینکه مردم مصر رنگ زرد را از رنگ قرمز تمیز می‌داده‌اند یا خیر تردید زیادی وجود دارد چنانچه لغتی برای این رنگ ندارند و همچنین بیابان، طلا و خورشید را قرمز رنگ می‌دانستند. با این حال با توجه به تحقیقات (Schenkel, 2007) و Baines (۱۹۸۵) مبنی بر تمایز این رنگ از قرمز در نقاشی از نگاه مردم مصر، در این مقاله این رنگ را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم. مصریان باستان، معتقد بودند که پوست و استخوان خدایان از طلا ساخته شده است. بنابراین مجسمه‌های خدایان و ماسک مومیایی‌ها اغلب از طلا ساخته می‌شدند یا با طلا آبکاری می‌شدند. شاخص‌ترین عناصری که در نقاشی‌های مصر باستان، زرد رنگ کشیده می‌شدند، استخوان خدایان مومیایی شده است. همچنین زمینه بسیاری از نقاشی‌ها به ویژه آنهایی که به زندگی پس از مرگ مربوط است، با این رنگ تصویر شده است که مفهوم کیفیت فنا‌ناپذیری دنیای پس از مرگ را می‌رساند چراکه از نگاه مردم مصر باستان دنیای پس از مرگ به جهت جاودان بودن، نسبت به این جهان برتری دارد. از میان عناصر طبیعت، خورشید و طلا،

معماری مقابر آنها بر معماری کاخ‌ها و خانه‌هایشان است. همچنین بسیاری از نقاشی‌های آنها با موضوع مرگ و زندگی پس از مرگ است. به همین علت تصاویر با این موضوع را برای بررسی مفهوم رنگ در آنها انتخاب کرده‌ایم.

مراسم مومیایی کردن و عزاداری
تصاویر زیر، نقاشی‌های مختلفی از مراسم مومیایی کردن در دوره‌های مختلف مصر باستان است. رنگ غالب و

مفاهیم سمبلیک آن را که در بخش‌های پیشین بحث شده است، به صورت خلاصه در آورده‌ایم.

تحلیل تصاویر

در این بخش برای تصدیق ادعاهای خود در بخش‌های پیش، به تحلیل رنگ در نقاشی‌های مصر باستان با موضوعی مشابه می‌پردازیم. مهم‌ترین مفهوم در زندگی مصریان باستان زندگی پس از مرگ بوده است. از نمودهای این مسئله، برتری



تصویر ۱. نمایش زندگی روزمره، مردم در حال کشاورزی. در این تصویر، رنگ‌ها، تناسبات و عناصر همه مطابق با واقعیت هستند و اثری از عناصر سمبلیک دیده نمی‌شود. مأخذ: Marie & Hagen, 1999: 171



تصویر ۲: تصویر زندگی پس از مرگ و قضاوت مردگان توسط اسیریس. در این تصویر، رنگ‌ها، تناسبات و عناصر ترکیبی از واقعیت و خیال است و بسیاری از عناصر به کار گرفته شده در تصویر، مفاهیم سمبلیک دارند. مأخذ: <http://www.crystalinks.comegyptart.html>

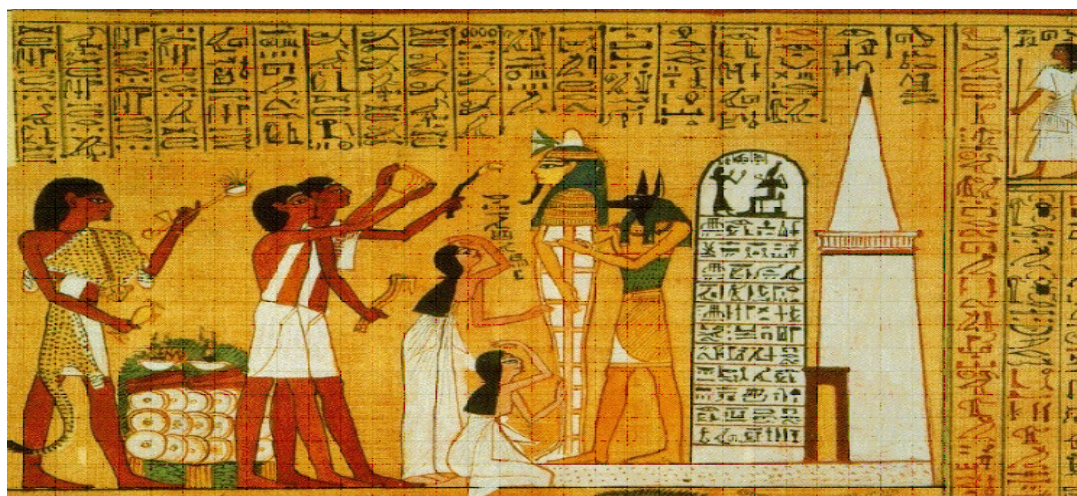
جدول ۲. رنگ‌های اصلی به کار گرفته شده در هنر نقاشی مصر باستان و نمودهای آنها در طبیعت و هنر. مأخذ: نگارندگان.

رنگ	نمود رنگ در طبیعت	خدا	معنی فعل لغت	سنگ	سمبل
سبز	گیاهان و مصولات کشاورزی	اسیریس، سبک، تانتن	تازه بودن، رونق گرفتن	فیروزه ^{۱۱}	زندگی مجدد، رونق و موفقیت
قرمز	خورشید، بیابان و طلا	ر، سخمت	خشم، پیروزی	عقیق ^{۱۲}	قدرت، پیروزی، خشونت
سفید	روز، نور خورشید	اسیریس	رستاخیز، روشن کردن	—	رستاخیز، تقدس
سیاه	آبرفت، شب	آنوبیس، اسیریس	زندگی مجدد	—	مرگ، رستاخیز
زرد	خورشید، طلا	استخوان خدایان	—	—	جاودانگی و ابدیت
آبی	رود نیل، آسمان	هپی، ر، موی خدایان	—	لاجورد ^{۱۳}	بهشت، ملکوتی بودن، طغیان سالیانه رود نیل

داوری پس از مرگ

تصویر زیر، زندگی پس از مرگ و روز قضاوت را نشان می‌دهد. اسیریس در سمت راست تصویر، بر تخت قضاوت نشسته است و آنوبیس در سمت راست تصویر در حال قضاوت مردگان است. رنگ زمینه در تصویر فوق زرد است که مفهوم دنیای جاودان پس از مرگ را می‌رساند. این تصویر، خدایان پوستی طلایی، سفید یا سبز دارند ولی مردم عادی، پوستی قرمز رنگ دارند و لباس سفید به تن کرده‌اند. رنگ پوست خدایان مطابق مطالب بیان شده، سمبل زندگی مجدد است و رنگ پوست انسان‌ها مفهوم سمبلیک ندارد چنان‌که در همه تصاویر، رنگ پوست انسان‌های معمولی بر رنگ قرمز و یا صورتی به ترتیب برای مردان و زنان نقاشی شده است. ولی لباس انسان‌ها نیز سفید است.

مشترک این نقاشی‌ها، سفید، طلایی و سیاه است که به جاودانگی و زندگی پس از مرگ اشاره دارند. سر سیاه آنوبیس و استخوان‌های طلایی مومیایی از عناصر ثابت این تصاویر هستند که به ترتیب به معانی مرگ و جاودانگی اشاره دارند. در تصویر زیر، دیده می‌شود که رنگ پوست مومیایی و آنوبیس، که هر دو موجودات الهی هستند، طلایی رنگ است در حالی که رنگ پوست کشیش و زنان عزادار، قهوه‌ای و صورتی رنگ پریده انسانی است. چنان‌که در پیشینه تحقیق نیز گفته شد طلایی و زرد، نماد جاودانگی است و در این تصویر استفاده از این مفهوم سمبلیک رنگ زرد دیده می‌شود. همچنین موی آنوبیس و مومیایی آبی رنگ است و سمبل کیهانی بودن آنهاست. لباس زنان عزادار و موبدان، سفید رنگ است که نماد اجرای مراسمی آیینی و مقدس است.



تصویر ۳. آنوبیس در حال مومیایی کردن یکی از فراعنه مصر. مأخذ: Oakes & Gahlin, 2003: 419



تصویر ۴. مراسم مومیایی کردن یکی از فرارنه توسط آنوبیس. در تصویر، استخوان‌های طلایی رنگ مومیایی و موهای آبی رنگ خدایان دیده می‌شود.

مأخذ: <http://www.robinurton.com/history/ancientegypt.htm>

نتیجه‌گیری

مردم مصر باستان به عینیت بخشیدن به تمام پدیده‌ها به ویژه نیروهای منظم طبیعی مؤثر در زندگی‌شان تمایل داشته‌اند چراکه از یکسو دلیل نظم طبیعت و نیروهای آن برای مردم پنهان بوده و از سوی دیگر، زندگی آنها به این نیروها وابسته بوده است و همچنین مردم قدرتی در کنترل آنها نداشته‌اند. آنها با تجسم نیروهای طبیعی به صورت خدایان متعدد جهان پیرامونشان را به شکل قابل فهم‌تری برای خود تفسیر کرده بودند. بدین ترتیب رنگ‌های نسبت داده شده به خدایان از طبیعت و مفهومی که طبیعت در قالب خدایان برای آنها داشته است منشأ گرفته است. همچنین فهم رنگ‌ها بخشی از فهم طبیعت است بنابراین عناصر طبیعی با رنگ‌هایی بارز که بر زندگی مردم مصر باستان مؤثر بوده‌اند، عامل شکل‌گیری مفاهیم در رنگ‌ها هستند. طبق مطالب بیان شده، نقاشان مصر باستان از شش رنگ اصلی در نقاشی‌ها برای بیان مفاهیم مورد نظر خود استفاده می‌کردند که مفاهیم سمبلیک این رنگ‌ها و منشأ طبیعی آنها به طور خلاصه در ادامه آورده شده است: رنگ آبی از آسمان و رود نیل نشأت گرفته است و مفاهیم ماورائی بودن و پرآبی رود نیل را می‌رساند. رنگ سبز، رنگ گیاهان و محصولات کشاورزی است و سمبل زندگی مجدد و رونق کشاورزی در نقاشی‌های مصر باستان است. رنگ قرمز، رنگ خورشید، طلا و بیابان و سمبل قدرت، پیروزی و خشونت است. رنگ سفید، رنگ روز و نور خورشید و سمبل زندگی پس از مرگ و تقدس، پاکی و خلوص است. رنگ سیاه، رنگ آبرفت‌های باقیمانده از طغیان‌های سالیانه رود نیل و شب و سمبل زندگی مجدد است. رنگ زرد، رنگ خورشید و طلا است و آن را سمبل جاودانگی می‌دانند. بنابراین به طور کلی، خورشید، رود نیل، آبرفت، محصولات کشاورزی، شب و آسمان، مهم‌ترین عناصر طبیعت برای مردمان مصر باستان بوده است و منشأ مفاهیم سمبلیک رنگ‌ها در نقاشی‌های مردم این سرزمین بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. BCT: Base Color Term
۲. Lapis lazuli-like
۳. the powerful one
۴. Daut
۵. The arrival of Hapy
۶. to prosper
۷. to be fresh
۸. Eye of Re
۹. to shine
۱۰. to become bright, dawn
۱۱. turquoise
۱۲. carnelian
۱۳. Lapis lazuli

فهرست منابع

- Assmann, J. (2001). *The Search for God in Ancient Egypt*. Translated by Lorton, D. Ithaca: Cornell University Press.
- Holland, G. & Holland, S. (2009). *Gods in the Desert: Religions of the Ancient Near East*. Plymouth: Rowman & Littlefield Publishers.
- Hornung, E. (1982). *Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many*. Translated by Baines, J. Ithaca: Cornell University Press.
- Redford, D. B. (ed.). (2002). *The Ancient Gods Speak: A Guide to Egyptian Religion*. Oxford: Oxford University Press.
- Schenkel, W. (2007). Die Farben in agyptischer Kunst and Sprache. *Zeitschrift fur agyptische Sprache und Alterumskunde*, (88): 131-147.
- Wilkinson, R. H. (2003). *The Complete Gods and Goddesses of Ancient Egypt*. London: Thames and Hudson.
-